



RahaiZan.Org

سازمان رهایی زن

The Organization for Emancipation of Women

رهایی زن

سر دبیر: مینو همتی

Editor-in-chief: Mino Hemati  
Email: minohemati@gmail.com

مدیرمسئول: شراره رضائی

Managing editor: Sharareh Rezaei  
Email: shararehrezaei.p@googlemail.com

نشریه مانده:

3rd Series, Issue 33

شماره 33

مطالب

آیا صدای معلمان شنیده خواهد شد؟ شراره رضائی

مراسم بزرگداشت روز جهانی زن - مژگان حاصلی

تبیریک سال نو - سازمان رهایی زن

گزارش روز جهانی زن (8 مارس) سازمان رهائی زن - واحد نروژ (اسلو) شادی و روپاک مطیعی

فردا نمی خواهم - شعرى از: بهاره شرفى

نگاه حکومتی به زنان اسلامزده ایران - شاهین کاظمی

چه زیباست صدای قلب مان را به هم برسانیم - بهاره شرفی

گزارش روز جهانی زن (8 مارس) سازمان رهائی زن - واحد شتوتگارت(آلمان) شراره رضائی

تاریخچه جنبش زنان و کسب حق رأی زنان - فرشته نظام آبادی

ممنوعیت اجرای موسیقی توسط زنان - دل آرام آزمون

مثل یک زن کاملاً عادی - شعرى از: بهاره شرفى

گفتگوی مینو همتی با سحرصامت ژورنالیست و فعال رهائی زن در بزرگداشتگاه اداره مهاجرت سوئد

از نگاه تصویر 8 مارس در ایران

از نگاه تصویر 8 مارس در دیگر کشورها

بیاتیه 8 مارس در شهر شتوتگارت—آلمان

روایت زندان زنان

از زبان: غنچه قوامی و الهام فردوسی

8 مارس - ماریا یوسفزی

عفو بین الملل می گوید: ایران زنان را به ماشین زاد و ولد تبدیل می کند

دروغهایی که در مورد سکس به دخترها نباید گفت - برگردان: الهه ایمانیان

صفحه خبری

تماس با رهایی زن و اطلاعات مربوط به روز، ساعت و فرکانس پخش برنامه ماهواره ای از ایران



با نشریه رهایی زن همکاری کنید

برای نشریه رهایی زن مطلب و مقالات "اجتماعی، حقوقی، روانشناسی، جامعه شناسی، بهداشتی، تجارب و گزارش های شخصی از زندگی زنان (خودتان) و کودکان ..."، شعر، اخبار، گزارش، ترجمه، معرفی کتاب و فیلم های خود را به آدرس ایمیل زیرارسال کنید.  
Markazi@RahaiZan.org

باتوجه به اینکه نظراتی در سطح جامعه مطرح میشوند که نیازمند پاسخگویی و حلاجی در برخورد آزادانه عقاید دارد و بعضاً این نظرات مغایر با اهداف و سیاستهای رهائی زن نیز هستند، اینگونه نظرات در "ستون آزاد" منتشر میشود و در همینجا از فعالین حقوق زنان و بخصوص فعالین رهائی زن میخواهیم تا در پاسخگویی به این نظرات کوشا باشند.  
مینو همتی

**آیا صدای معلمان شنیده خواهد شد؟**



شراره رضائی

معلم بجای آموزش و تعلیم و تربیت کودکان، باید در فکر قرض و قوله و قسط‌هایش باشد. معلم نگران اجاره خانه‌ی سرماهش است. دیگر نه بابا و نه معلم نان ندارند.

معلمان 10 اسفند طی فراخوانی در بسیاری از شهرهای ایران دست به اعتصابات گسترده ای زدند. در این اعتصاب معلمان خواهان افزایش دستمزدهایشان بودند. به گزارش خبرنگار ایلنا، هزاران معلم ناراضی روز یکشنبه ۲۴ اسفند مجدداً در شهرهای شیراز، یزد، خرم‌آباد، کرمانشاه و شهرکرد مقابل استانداری‌ها تجمع کردند.

این اولین بار نیست که معلمان دست به چنین اعتصابات گسترده ای زدند. در سال 82 هم شماری از معلمان در تهران و شهرهای دیگر به مدت یک هفته اعتصاب کردند و در سال 86 قریب به 10000 معلم در سه روز متوالی در جلوی مجلس تجمع کردند تا دولت را وادار به تصویب لایحه برابری حقوق و مزایای کارمندان دولت تحت فشار بگذارند. که در 23 اسفند 86 با حمله نیروهای انتظامی بسوی معلمان حدود 1000 معلم دستگیر شد که 22 نفر از این معلمان به مجازات‌های سنگین زندان و تبعید مواجه شدند. که سه تن از این معلمان رسول بدایی، محمد داوری و محمود باقری هنوز هم در زندان در وضعیت بسیار غیرانسانی و بدی بسر می‌برند.

با وجود تمام کارشکنی‌ها و عدم همکاری کانون صنفی معلمان برای اطلاع رسانی و باتوجه به تمام محدودیت‌ها، معلمان بصورت فراخوان‌های مستقل هماهنگی‌ها و اعتصابات را در چندین شهر همزمان سازمان دادند که از نقاط قوت و قدرت این اعتصابات است و با نگاهی به مطالبات و خواسته‌های مطرح شده در بیانیه‌های معلمان نشان می‌دهد که معلمان برای افزایش حقوق و دستمزدهایشان اعتراض کرده اند ولی خواست‌های رادیکال در این مطالبات به چشم می‌خورد.

آزادی همکاران زندانی، رفع کلیه قوانین تبعیض‌آمیز علیه همکاران فرهنگی زن مانند حق عائله مندی، حق تحصیل رایگان برای کلیه شهروندان و توقف خصوصی‌سازی مدارس از جمله آن است.

معلمان می‌گویند علی‌رغم اعتراضات گسترده در هفته‌های گذشته، دولت و مجلس هیچ اقدام موثری به منظور افزایش بودجه آموزش و پرورش و به طور مشخص افزایش حقوق و دستمزدهایشان انجام نداده‌اند. و به همین دلیل اینبار محل تجمعاتشان را از مقابل ادارات آموزش و پرورش به مقابل استانداری‌ها با هدف بهتر شنیده شدن مطالبات صنفی‌شان تغییر صورت گرفته است.

گویا مزدوران دولتی و رئیس جمهور دولت اعتدال برای دستگیری و شکنجه و آزار و اذیت



معلمان به اندازه کافی نیروی دارد که سگان ولگردش را به جان آنها بیاندازد ولی صدای مظلومیت هزاران معلم که در شرایط فلاکت‌آز از فقر و تبعیض رنج می‌برند، گوش شنوایی نیست و

کسی را ندارد که به داد آنها برسد. آیا دزدان نادان بی‌کفایت و مفت‌خور مجلسی‌ها و آموزش و پرورش و وزراء و ... که دستشان به فساد و چپاول ثروت طبقه محروم جامعه آلوده است مستحق حقوق و دستمزدهای میلیونی هستند ولی یک معلم که برای ساختن فرزندان نسل‌های آینده لحظه ای شب و روز آرامش و آسایش ندارد و کارگری که هر لحظه جان و زندگی‌اش در خطر حوادث است و چرخ اقتصاد مملکت بر روی دوشش می‌چرخد و در مشقت سختی بسر می‌برد مستحق زندگی خوب و مرفه نیستند؟

باید از این اعتصابات معلمان به هر طریقی حمایت و پشتیبانی کرد. اعتراضات معلمان نباید تنها به چند شهر ختم شود بلکه تمام شهرهای ایران باید با هم همراه شوند. باید تمام معلمان از دورافتاده ترین روستاها و مدارس کپرنشین به زندگی فلاکت‌آزایشان که حق بهترین زندگی را دارند به این اعتراضات بپیوندند. تمام دانش آموزان همراه خانواده‌ها و والدینشان باید معلمانشان که تربیت کنندگان و زحمت کشان جامعه هستند تنها نگذارند و همراه و همدوش‌شان باشند و وظیفه‌ی تک تک ماست تا در تداوم و اطلاع رسانی برای همراه کردن معلمان در دیگر شهرها بصورت سراسری در ایران آنان را یاری کنیم و صدای اعتراضشان را منعکس کرده و پشتیبانان باشیم تا دولتیان مزدور را به تن دادن به خواست‌های به حق معلمان وادار کنیم.

ازیات رهایی زن، و آرشو نشریه ما دیدن کنید: <http://rahaizanorg.blogspot.com>



**مراسم بزرگداشت روز جهانی زن**



**مژگان حاصلی**

روز 8 مارس به مناسبت روز جهانی زن مراسمی در محل سازمان ABF با همراهی سازمان رهایی زن در کشور سوئد شهر کوپاربرگ برگزار شد. شرکت کنندگان این جلسه از شهروندان سوئدی، سوریه ای و ایرانی بودند.

در این مراسم سعی بر آن شد که روند تاریخی قوانین مربوط به زنان و تکامل حقوق اجتماعی و فردی آنها در کشوردموکراتیکی مثل سوئد مورد بررسی قرار گیرد و پس از آن به ذکر برخی از قوانین ضد زن که حاکم بر زندگی زنان ایران است پرداخته شد. ذکر برخی از قوانین عجیب شده با زندگی زنان ایران برای شهروندان سایر کشورها

همواره با تعجب و شگفتی روبرو می شود نکته ای که با عادی شدنش در قدرت گرفتن قوانین شرعی در ایران برای برخی هموعان ما کاملاً رنگ طبیعی به خود گرفته است.

پس از آن خانم Anmari Lööf مسوول ABF این شهر به عنوان فردی که سال ها در زمینه امور پناهجویان به خصوص زنان فعالیت های گسترده ای داشته است پیام مخصوص خود را برای زنان ایران فرستاد:

"به مبارزه خودتان ادامه بدهید ما امروز روز جهانی زنان را جشن می گیریم ولی واقعا مظلومانه است که ما هنوز به این روز احتیاج داریم ولی ما هنوز احتیاج داریم که به این مبارزه ادامه بدیم به خاطر اینکه در بسیاری از کشورها زنان کماکان زیر فشار قرار دارند، در سوئد امروز بین زنان و مردان مساوات برقرار است اما برای این سال های سال مبارزه شده و به طول انجامیده تا ما به شرایط کنونی رسیده ایم، امروز زنان و مردان سوئد به این توافق رسیده اند که زنان و مردان داری حقوق برابر، وظایف برابر و امکانات برابر هستند.

برای مثال زنان و مردان در همه کارها و تخصص با هم کار می کنند کاری به عنوان کار مخصوص زنان یا کار

مخصوص مردان وجود ندارد ما بسیار سخت کار کردیم تا این تبعیض از روی زنان برداشته بشود.

به عنوان مثال ما زنان خودمان تصمیم می گیریم که اگر بخواهیم پاسپورت داشته باشیم اگر بخواهیم به کشورهای دیگر سفر کنیم خودمون تصمیم می گیریم که ازدواج کنیم یا اینکه بخواهیم جدا بشیم و احتیاجی نیست که از کسی اجازه بگیریم.



**ABF March 8 2015**

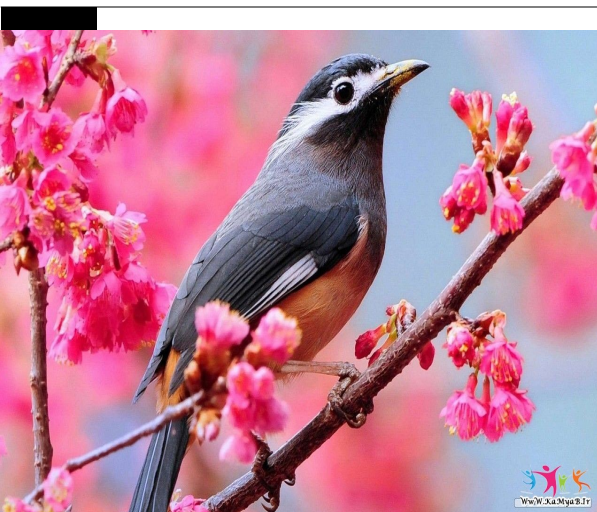
مردان و زنان در تمامی مشاغل کار می کنند و همین طور در خانه برای نگهداری از کودکان باهم همکاری می کنند.

من امیدوارم که

تمام زنان در تمام دنیا به مبارزه خودشون برای کسب آزادی ها و حقوق مساوی ادامه بدهند و بتوانند به اینجایی که ما در سوئد هستیم برسند ما باید بدانیم که یک روش دیگری هم برای زندگی وجود دارد، موفق باشید." در ادامه جلسه نیز دوتن از شرکت کنندگان ایرانی پیام خود را از طریق دوربین رهایی زن به زنان ایران رساندند که در ادامه پیام فعال سیاسی محمود

و امیدوارم این روز همیشه پایدار و پا برجا باشد و همچنین روزهایی رو بتوانیم در کشورمان اجرا کنیم و مردم بتوانند بیرون بیایند و انزجار خودشون را از این نابرابری ها که در قبال زنان اعمال شده اعلام کنند و امیدوارم روزی برسد که زنان همانند مردان از حقوق برابری برخوردار باشند و ظلم و ستمی که قرن ها روا شده از بین برود.

**سال نو مبارک**



بهار آمد و تمام گل ها به میمنت وجودش سر از خاک بیرون کردند درختان سرسختانه در باد و طوفان لانه ی گنجشکان را در میان شاخه ها محافظت کردند جوانه ها با نوازش نسیم بهاری لباسی از شکوفه های سرخ و سفید برتن کردند تا بهار با قدمش امیدی دوباره در دل ها برای ماندن، برای بودن

برای فردایی آفتابی و بهتر نوید دهد.  
سال نو بر همه ی عزیزان و همراهان مبارک  
سازمان رهایی زن - مینو همتی و شراره رضایی

**گزارش روز جهانی زن (8 مارس) سازمان رهائی زن - واحد نروژ (اسلو)  
شادی و رویاک مطیعی**

روز سه شنبه ۸ مارس ۲۰۱۵ برابر با ۱۷ اسفند ۱۳۹۳ مطابق سنت هر سال، مراسم بزرگداشت روز جهانی زن به همراه صدها نفر از مردم آزادی خواه و برابری طلب نروژ در مرکز شهر اسلو روبروی پارلمان برگزار شد.

سازمان رهائی زن- واحد نروژ، به همراه جمع کثیری از احزاب و شخصیت‌های سیاسی، سازمان ها و ارگان های دفاع از حقوق زنان و همچنین مردم آزادیخواه نروژ در این مراسم شرکت داشتند. در این مراسم سخنرانی هایی از طرف فعالین حقوق زنان و فعالین چپ و سوسیالیست ایراد شد که عمدتاً به مسائلی که در سال گذشته توسط گروه های تروریستی و مرتجعی چون بوکوحرام در نیجریه و همچنین عروج داعش بعنوان یکی دیگر از گروه های تندرو و مرتجع اسلامی که قربانیان اصلی آنها را زنان تشکیل می دهند پرداختند. همچنین سخنرانان به تحولات اخیر در خاورمیانه و مشخصاً مقاومت مردمی در کردستان سوریه که زنان در آن نقش اصلی و پررنگی ایفا کرده اند پرداختند و ضرورت اتحاد و همبستگی جنبشی را برای برقراری جامعه ای عاری از تبعیض و ستم جنسی بر زن و رفع نابرابری یاد آور شدند.

سازمان رهائی زن\_ واحد نروژ ضمن تأکید بر اهمیت حضور فعالانه در مبارزه برای متحقق شدن مطالبات جنبش زنان، با پخش تراکت و اطلاعیه سازمان، این روز را به همه فعالین در این عرصه شادباش گفت و با سر دادن شعارهایی با مضمون "نه به بردگی و انقیاد زن"، "نه به قوانین زن ستیز شریعت" و "زنده باد آزادی و برابری" به همراه کل جمعیت حاضر مسیر خیابان پارلمان تا میدان کارگر را



**شعری از: بهاره شرفی  
«فردا نمی خواهم»**

برخیز امروز از آن توست...  
شانه خالی نکن، ای کودک  
گریان دیروزی خندان باش،  
خندان...  
دیگر از فردا برایت نخواهم  
گفت ما همه از نسل دردییم...  
تنها دیروز سهم ما بود...  
نمی دانم در کدام صخره تو در  
تو دردهای من، شعله های شعر  
شد...  
نمی دانم از کی دیگر خود نبودم  
وقتی زخم های قلبم بعد از آن  
روز عمیق تر شد...  
وقتی پیراهن های خونی یوسف ها را  
میان دستان مادران وامانده دیدم...  
همه قهرمان هایمان پایان قصه  
مردند...  
هر که رفت، تازه فهمیدیم  
بزرگ بود باید برایش کف زد...

چشمانت را ببند...  
تا نبینی دیوارهایی که فرو  
ریختند قاصدک هایی که هرگز  
به مقصد نرسیدند و پرستو هایی  
که راه باز گشت را گم کردند...  
چشمانت را ببند...  
تا نبینی دختر بچه ای که پشت  
چراغ های شهر من، معصومیتش  
را جا می گذارد تا شب گرسنه  
نخوابد...  
چشمانت را ببند...  
تا نبینی، دختران شهر مرا که  
آبرو می دوزند...  
چشمانت را ببند...  
تا نبینی، کبوترهای شهر مرا که  
گرد قبرها می گردند...  
دیگر گنبدها هم هیچ معنایی  
ندارند...  
مشق هر شبم را خوب از برم  
صد بار باید از روی حسرت  
بنویسم...

ودردهایم را برای مادرم رو  
خوانی کنم...  
دردهای من در این شعرها  
نمی گنجد...  
درد مرا باید از چشمانم  
بخوانی...  
گرچه می دانم هنوز، همبازی  
درد نشده ای تا بدانی این زخمی  
که بر تنم نشست چه سنگین  
خوانده می شود...  
می دانم، می دانم هر جا برایت  
خوشد نیاید انگشتانم را خواهی  
شکست...  
دیگر از فردا برای هیچکس  
نخواهم گفت ما مرده ایم، در  
این هوایی که مانند  
خاک سرد است  
ما زنده زنده در آن مرده ایم...  
کاش بر میگشت روزهای  
سیکالی و من لی لی کنان با  
دختر همسایه زیر لب آهسته

می خواندم امروز را دوست  
دارم...  
فردا نمی خواهم، فردا نمی  
خواهم...  
چشمانم را می بندم، غرق در  
دیروزها...  
دختری در آینه می خندد...  
مادرم شانه به دست...  
گیسویم به میهمانی باد می  
روند...  
دیگر در پی فردا نخواهم رفت  
همین امروز را دوست دارم...  
شاید که این احساس زیبا ابدی  
خواهد شد...

**به سازمان رهائی زن، پیونید**



نگاه حکومتی به زنان  
اسلامزده ایران



شاهین کاظمی

آب از سرچشمه گل آلود است، کاملاً واضح است که خشونت جاری در جامعه بر علیه بانوان ایرانی زیر نظر

خود حکومت انجام می‌شود تا به نحوی زنان را ترسانده و مجبور به خانه نشینی و فرزند آوری کند تا آرزوی رهبری برای ازدیاد جمعیت بر آورده شود، والا چطور ممکن است بعد از ۵ ماه هنوز عاملین اسیدپاشی دستگیر نشوند ولی یک دیپلمات ربوده شده در آنسوی مرزها بلافاصله آزاد و بازگردانده شود. نظام حاکمه در ایران باید نابود بشه و دوباره با رای اکثریت مردم یک نظام متشکل از تمامی جناح‌ها به صورت دوره‌های نه همانند حال تشکیل بشه و به تمام ادیان و اعتقادات احترام گذاشته بشه نباید اجازه بدیم بیشتر از این انسانیت و آزادی نابود بشه؛

ایرانی عرب نیست و فرهنگ عرب توانایی مقابله و یا برابری با فرهنگ اصیل ایرانی رو نداشته و نداره پس آگه ایرانی هستید برای ایرانی عاری از همه زشتیها و بدیها باید متحد و یکپارچه بشیم.

-حکومت آنقدر از وضعیت متذلل خود نزد مردم، آگاه است که می‌خواهد با وضع قوانین مسخره ای همچون طرح تولید مثل بیشتر که فقط به فکر این هست که سرباز برای اهداف احمقانه خودش دست و پا کنند، حق ملت را محدود و عمال خودش را در راس نگاه دارد!

حکومت فاسد و دیکتاتور دینی می‌خواهد حرف رهبر کیلویی خود را به کرسی بنشاند، حتی با تدوین قوانین مسخره جنسیتی، که به خیال خود مجردها را مجبور به تاهل کند! یعنی ذایل کردن حق بخشی از ملت که از قضا نسل جوان امروزند.

شما به این ترتیب می‌خواهید دنباله رویی برایتان باقی بماند! بگذریم که این اقدامات نابخردانه فقط به ما می‌گویند که این‌ها به واقع قبر خود را بادست خود می‌کنند که این مایه بسی امیدواری و شمع است.

به امید سرنگونی حکومت دیکتاتور دینی خامنه‌ای کثیف در ایران

گزارشی از برگزاری 8 مارس در شهر شتوتگارت- آلمان  
شراره رضائی

امروز 7 مارس طبق اطلاعیه قبلی به مناسبت 8 مارس، تجمعی از ساعت 1:30 از طرف زن‌های گروه‌های مختلف از جمله: ADKH, Courage, Raahei Zan (iranische Frauen), Kurdische Frauen, LINK, MLPD (Marxistisch Leninistischen Partei Deutschland), Sindelfingen, Solidarität International, Türkei/Kurdistan, Neue Frauen سازمان‌ها و احزاب و ... در این جمع شرکت داشتند.

بعد از خوش آمد گویی و تبریک و گرمی داشت این روز، به نمایندگی از هر سازمان یا احزاب در خصوص وضعیت و مشکلات و نابرابری‌ها و مطالبات زنان به دو زبان مادری و آلمانی سخنرانی کردند. که با تشویق حضار همراه بود. در ساعت 15:30 تظاهراتی در خیابان‌های همراه با پلاکاردها و شعار تا ساعت 17 ادامه داشت. در این بین گروهی از زنان کرد (ترکیه)، با لباس‌های رنگارنگ کردی موسیقی نواختند و آوازه‌هایی در حمایت از کوبانی و با رقص و آواز همراه مورد توجه بسیاری حضار قرار گرفت.

لازم به ذکر است. این تجمع از سوی سازمان رهایی زن و با حمایت انجمن ایرانی - آلمانی مقیم شتوتگارت صورت گرفت که علاوه بر شعارها و تراکت‌ها و مطالبات زنان ایرانی صندوقی هم برای کمک‌های نقدی به کوبانی همراه بود. در همینجا از حمایت همیشگی انجمن ایرانی - آلمانی مقیم شتوتگارت کمال تشکر را دارم.

<https://www.youtube.com/watch?>

لینک فیلم و عکس که از تلویزیون رهایی زن پخش گردید:



**تاریخچه جنبش زنان و کسب  
حق رای زنان ایران (به  
مناسبت 8 مارس)**



فرشته نظام آبادی

8 مارس یادآور راهپیمایی و اعتراض زنان کارگر کارخانه نساجی (سال 1875) در آمریکا میباشد. که بعدها زنان اعتراضات خود را در اروپا و تمام دنیا در نشستها و تجمعات خود برای دستیابی به حقوق مورد نظرشان ادامه دادند. یکی از بزرگترین و تاثیر گذار ترین نشستها دومین کنفرانس زنان مشاغل در سال 1910 در کپنهاگ دانمارک بود که نمایندگانی از 17 کشور جهان از جمله 3 زن از نمایندگان فنلاند در آن شرکت داشتند و در اینجا بود که به برگزاری روز جهانی زن جامه حقیقت پوشانده شد. همچنین یکی از موارد اعتراضات و جنبش های زنان ، دستیابی به یکی از مهمترین

حقوق اجتماعی آنها بود که داشتن حق رای میباشد. در آمریکا زنان 107 سال پیش برای گرفتن حق رای به خیابان آمده بودند و در حالیکه 14 سال قبل یعنی 122 سال پیش زنان نیوزلندی به حق رای دست یافت بودند. داشتن حق رای زنان ایرانی به قانون زمان رضا شاه بازمیگردد. که با مخالفت روحانیون وقت از جمله مدرس و کاشانی مواجهه شد. در سال 1341 شمسی ( 1962 میلادی) در لایحه انجمن های ایالتی و ولایتی در هیت دولت زنان برای نخستین بار اجازه شرکت در انتخابات و نامزد شدن برای انتخابات را پیدا کردند. که متعاقب آن روحانیون از جمله آیات خمینی و طباطبایی و موسوی یزدی و... به مخالفت برخاستند. که بعدها در جریان انقلاب حق رای زنان توسط خمینی اینبار برسمیت شناخته شد. امروزه به جز کشورهای بوتان برونئی، عربستان سعودی و واتیکان در دیگر کشورها حق رای زنان را برای شرکت در انتخابات را به رسمیت شناخته اند. در دوره مشروطه نیز همپای انجمن های سری و نیمه سری زیادی کادر ایران بوجود آمده بود انجمن ها ی زنان نیز به طور مخفیانه شکل گرفتند که

بعدها پس از تشکیل مجلس و جنگ جهانی دوم سازمانهایی تاسیس شدند که به حقوق زنان میپرداختند. در سال 1289 نخستین نشریه زنان منتشر شد که از میان آنها میتوان به دانش (سر دبیر خانم دکتر کمال) شکوفه (مریم عبید) زبان زنان (صدیقه دولت آبادی) اشاره کرد از مدرسه سازان میتوان به صدیقه دولت آبادی - شمس الملوک جواهر کلام و طوبی آزموده و روشنگر نوع دوست اشاره کرد که برای تاسیس حفظ مدرسه های دخترانه خود با مخالف های بسیاری از سوی سنت گرایان مواجه بودند. و به همین دلیل تاسیس مدرسه دخترانه کاری کاملاً انقلابی بود. پس از این دوره سازمانهای زنان مستقل حذف شده و سازمانهای وابسته به دولت یا حزبهای سیاسی تشکیل شدند مانند کانون بانوان که انجمنی میانه رو و خیریه زیر نظر رضا شاه بود. سازمان زنان ایران زیر نظر محمدرضا شاه و تشکیلات زنان ایران در حزب توده با نشریه بیداری ما فعال بود. سالهای 1320 تا 1331 را میتوان سالهای تجربه حیات محدود و کنترل شده جنبش زنان دانست که سازمانهای مستقل تر اما پراکنده ای همچون حزب زنان و جمعیت زنان (روزنامه

زن امروز) تشکیل شدند. در دهه 1330 خورشیدی سازمانهای سکولاری خواستار حقوق بیشتری از جمله کشف حجاب و حق طلاق برای زنان ایرانی بودند. و امروز بعد از گذشت 6 دهه از آن تاریخ در جامعه بسته و کاملاً تحت تسلط قوانین زن ستیز و گاه ضد بشری موجود که حتی دخالت در در زندگی و تصمیم گیریهای شخصی زنان کاملاً نهادینه شده است هیچگونه جنبش یا سازمانی وجود ندارد که بتواند حداقل همان حقوق از دست رفت را برگرداند و در فضایی که در قالب های دستورات مذهبی چون امر به معروف و نهی از منکر زنان مورد هر نوع تحقیر و توهین قرار میگیرند که به شکل دست گیریهای خیابانی تا اسید پاشی بصورت زنان و دختران اجرا می شود که طبعاً باعث ترس و انزوای بیشتر زنان میگردد. و نیز اجرای سایر حکم ها و قوانین خشن اسلامی همچون اعدام و سنگسار در محاکم قضایی. امید به تغییر شرایط و دسترسی به حقوق کامل انسانی برای زنان و مردان ایرانی تنها زمانی مقدور خواهد شد که با جنبش و تحول عظیم فکری و اعتقادی به شکلی آگاهانه قوانین ضد انسانی دینی از حکومت تفکیک گردد و از اریکه قدرت پایین آورده شود.

کلیه گزارشات و عکس های 8 مارس در کشورهای مختلف و برنامه های پخش شده در تلویزیون رهایی زن را می توانید در لینک زیر مشاهده کنید:

## ممنوعیت اجرای موسیقی توسط زنان دل آرام آزمون



توهین و تحقیر موسیقی دانان در ماه اخیر دلیل تجمع جمعی از فعالان حوزه موسیقی در مقابل خانه موسیقی شده است که نسبت به اقدامات اخیر درباره لغو کنسرت ها و ایجاد محدودیت برای نوازندگان زن معترض بوده اند. به گزارش خبرگزاری ایلنا در روز دوشنبه 18 اسفند مدیر عامل خانه موسیقی ایران آقای نوربخش: لغو کنسرت علیرضا قربانی در شهر گلپهوار و ممانعت از حضور خانم حریر شریعت زاده (همسر سالار عقیلی) روی صحنه در خراسان را توهین به موسیقی دانان ایران دانسته است. بنا به گفته نوربخش قضیه بگیر و ببند در موسیقی بدین صورت شروع شد که اول از حضور بانوان نوازنده روی صحنه خودداری کردند که هیچ وجه قانونی ندارد، مگر میشود در مملکتی زنان حق آموزش موسیقی داشته باشند اما حق اجرا نداشته باشند. نوربخش افزود: ابتدا در دو استان و حالا در 12 استان از حضور بانوان روی صحنه جلوگیری میکنند. اخیراً در استان خراسان خانم حریر شریعت زاده را هنگام نواختن دف از روی صحنه پایین آورده اند، درحالیکه قبل از کنسرت مجوز برای نوازنده زن صادر شده بود. حریر شریعت زاده در توضیح جزئیات گفت: من آن شب در مشهد خیلی غمگین شدم و چند بار از زن بودنم احساس حقارت کردم و از خودم می پرسیدم که چرا باید این اتفاق بیفتد. بنا بر سخنرانی امام جمعه مشهد در روز 8 اسفند در خطابه های نماز جمعه گفته بود که چون تمام شهر مشهد حرم امام رضا است لذا برگزاری کنسرت در مشهد مطرب بازی در حرم آن حضرت است. امام جمعه شهر ارومیه نیز در 16 اسفند اعلام کرده

هرگاه نفس خواندن با وضع خاص خواننده یا مضمون اشعاری که خوانده میشود به گونه ای باشد که موجب برانگیختن شهوت شود استماع صوت زن برای غیر شوهر او حرام است. در کشوری که خواندن یا نواختن زنان در عرصه موسیقی ارتباط مستقیم با برانگیخته شدن شهوات این آقایان دارد بسیار طبیعی است که زنان جامعه همچون هنرمندی مثل حریر شریعت زاده بسیار احساس حقارت از زن بودن خود را تجربه می کنند. توهین و تحقیر توسط قوانین و حکومت اسلامی بسیار فراتر از توهین به صاحت موسیقی است بلکه توهین به تمام مردان و زنان کشور است. جو حاکم در جامعه امروز ایران که از دستاوردهای حکومت اسلامی میباشد احساس دلزدگی و حقارت زنان و مردان موفق در جامعه ایران است و از طرفی پرورش مجرمان برای اختلاس ها و دزدی های بزرگ و نیز آدم کشها و اوباشهای اسید پاش است که در آزادی و امنیت بسر میبرند. و مسلماً این شرایط باعث خواهد شد که جامعه هر چه بیشتر و بیشتر به سمت عقب ماندگی و تبحر پیش برود.

بود که ترویج موسیقی هر چند حلال با اهداف عالی نظام اسلامی سازگار نیست. بیشتر درباره آلبوم "تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم" ساخته پیمان خازنی که در آن قطعه ای را نوشین طافی و محسن کرامتی همخوانی کرده بودند دفتر موسیقی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار اعلامیه ای رسماً توضیح داده که وزارتخانه هیچگاه به آثار تک خوانی زنان مجوز نداده است. به گزارش نسیم: محمد یزدی رئیس دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، تک خوانی و هم خوانی زنان و بطور کلی موسیقی و ترویج آن در اسلام حرام است و اظهار داشت که همه مراجع در این مورد متفق القول هستند و نیز در سخنانی به حسن روحانی (رئیس جمهور) و علی جنئی وزیر ارشاد درباره موسیقی و خوانندگی هشدار داد. آیت الله سیستانی در این باره معتقد است که اگر خوف ابتلا به حرام نباشد جایز است ولی جایز نیست صدای خود را به نحوی زیبا و نازک کند که معمولاً موجب تحریک شهوت باشد. آیت الله خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی در این مورد نظر ملایمتر دارد. او در باره تک خوانی زنان گفته: اگر چه صدای زن نامحرم گناه نیست و خوانندگی زن فی نفسه منع شرعی ندارد ولی

### شعری از: بهاره شرفی «مثل یک زن کاملاً عادی»

تمام دشت سینه خاکستر شد  
مثل یک زن کاملاً عادی...  
دیده ام از خون دل رنگ شد...  
تب دستانی که تمنای باران داشت...  
در یک رویای نیمه کاره سرد شد...  
مثل یک زن کاملاً عادی...  
از آغاز قصه دور...  
زنی که پایان جاده را دیده...  
زنی که به یک بودن وحس یک بوسه رسیده...  
و زنی که تا انتهای جاده تنها...  
مثل یک زن کاملاً عادی  
مثل مادرم...  
که با همه ی دردها به حس پاک مادر شدن رسیده...

هشت مارس بر عموم زنان ازاده جهان مبارک باد

بی قرار در باد می رقصم...  
مثل یک کودک سرخورده از بزرگترها  
نرم در کوچه های کودکی می چرخم...  
صدای ساز باران کوک لحظه هایم شد...  
فریادهای صدسال خاموشی، در سکوت  
سینه ام گم شد...  
مثل یک زن کاملاً عادی...  
بغض سرد روزهایم سر باز کرد...  
درونی که پر از آتش بود...  
به یکباره از درون مرد شد...  
مثل یک زن کاملاً عادی...  
تنم از تب انگشتانش داغ شد  
زخم های کهنه ام سرباز کرد



گفتگوی مینو همتی با سحرصامت ژورنالیست و فعال رهایی زن

در بازداشتگاه اداره مهاجرت سوئد



حق دادخواهی دادگاه را دارم که به داد من برسند و پرونده من را باز کنند و بررسی کنند، صحبت هایی داشتم. ولی متأسفانه این ملاقات که روز سه شنبه هفته گذشته صورت گرفت و روز چهارشنبه هفته گذشته هم من ملاقاتی داشتم با مسولین اداره مهاجرت و روز دوشنبه که مصادف است با دوشنبه هفته ایی که گذشت، تماسی دریافت کردم از پلیس این کشور و از من خواستند که پدرم هم به همراه من به اداره پلیس مراجعه کند، چرا که اینها تصمیم گرفته بودند هر هفته مانند یک فرد مجرم بودن خود را در منطقه محل سکونت اعلام کنم، بلکه من اینجا زندگی می کنم، در حالی که من قانونی در این کشور زندگی می کنم و قانون هم این اجازه را به من می دهد که تا زمانی که تصمیم های دادگاه اعلام نشده، من قانونی در این کشور زندگی کنم. اما خوب متأسفانه ما را به چالش کشیدند و برخورد خیلی غیر انسانی با ما داشتند. ما را به بازداشتگاه بردند و یک شب را در تک سلول ها (سلول انفرادی) بودیم و تمامی وسایل و موبایل ها از ما گرفته شد و در یک اتاق کاملاً سرد با اینکه هم ناراحت بودیم و هم غذایی نخورده بودیم، می شود گفت که در حدود 17 - 18 ساعت نتوانستیم هیچ غذایی بخوریم، در اتاق های سرد ما را زندانی کردند و حتی برای توالیت رفتن باید زنگ می زدیم و به آنها اطلاع می دادیم یا حتی برای نوشیدن آب هم باید به آنها اطلاع می دادیم، که به همراه دو نفر که می آمدند و ما به توالیت می بردند و یا اگر آب نیاز داشتیم به ما می دادند.

بعد از آن دیروز تصمیم گرفتند و ما را به بازداشتگاه کُلرد (Källered) شهر گوتنبرگ (Göteborg) آوردند و می گویند که ما شما را به این علت اینجا نگه داشته ایم که ببینیم دادگاه چه تصمیمی برای بازگشایی پرونده شما می گیرد. اگر تصمیم بگیرد که دلایل بودن شما موجه است که یک مقدار روش و رفتار فرق می کند. اما اگر تصمیم، تصمیمی باشد که شما باید برگردید، ما شما را بدون چون و چرا و بدون هیچ دلیلی به افغانستان بر می گردانیم.

**رهایی زن: سحر عزیز می توانی تصور کنی اگر سوئد شما را دیپورت کند، چه سرنوشتی در انتظارتان خواهد بود؟**

**سحر صامت:** خوب مینوجان با توجه به اینکه در پرونده اول ما زمانی که مراجعه کردیم به این کشور، ما مشکلی با یکی از احزاب سیاسی افغانستان داشتیم. این داستان از پدر من شروع شد و دامن گیر فامیل ما شد و موجب فرار ما از افغانستان شد، در نتیجه در حدود یکسال و نیم - دو سال است که فعالیت های آشکار می کنم، خوب تعداد بیشتری از آدم ها من را می شناسند، همچنین تهدیدهایی شده است و پیام های تهدید آمیزی دریافت کرده ایم، هم برای خودم و هم برای فامیلم که اگر شما برگردین ما شما را از بین می بریم. در نتیجه هم جان من در خطر است و زندگی من در دست تصمیم دولت سوئد است و هم پدرم اسداله صامت که نقدهایی داشته از حضور گروه های افراطی که تحت نام دین و فرهنگ، برخوردهای غیر انسانی با انسان ها انجام می دهند. پدرم صحبت هایی داشته و همچنین من در وبلاگ ها مطالب نوشتم، در نتیجه با چهره ما تعداد بیشتری آشنا شده اند. به خصوص از زمانی که ما دستگیر شده ایم، سازمان های حمایت کننده، شروع به اطلاع رسانی و جمع آوری امضا کردند، و دقیقاً در حال حاضر جان ما بیشتر در معرض خطر است، چون الان دشمن می داند که ما دقیقاً در کجا هستیم و در چه مرتبه ای قرار داریم و می دانند که احتمال

**بدون ژورنالیست متعهد، خبرها در روز شمار وقایع مدفون می شوند و جنایتکاران در تاریکی خبری به اعمال ضدبشری خود ادامه می دهند.** هرگاه کارگری زیر آوار معدن محبوس می شود و یا زنی در میدان فوتبال فجیعانه بقتل می رسد. این ژورنالیست متعهد است که صدا و تصویرشان را به جهانیان منتقل می کند و عکس العمل انسانی میلیون ها انسان شریف را برمی انگیزد. اما هرگاه ژورنالیستی به بند می افتد، صدایش پژواک مناسبی را تجربه نمی کند. این بار یک ژورنالیست متعهد و مدافع حقوق زن به بند افتاده، دولت سوئد با بازداشت سحر صامت قصد دارد وی را به کشور افغانستان یعنی کشوری که در عمق زن ستیزی جریانات اسلامی، جهنم زنان است، دیپورت کند. فرصتی کوتاه دست داده تا با سحر صامت ژورنالیست و فعال رهایی زن از پشت دیوارهای بازداشتگاه اداره مهاجرت سوئد گفتگو کنیم.

**رهایی زن: سحر عزیز با سلام و خوش آمدگویی به برنامه رهایی زن، لطفاً برای بینندگان ما توضیح بده چرا، چگونه و توسط چه مقاماتی بازداشت شدید؟**

**سحر صامت:** سلام خدمت شما مینوی نازنین و همکاران خوبتان و همچنین سلام خدمت بینندگان عزیز که صدای من را می شنوند. بلکه مینو جان، ما دقیقاً روز سه شنبه ساعت 18:35 بعدازظهر در خانه زده شد و چهار نفر افراد مسلح وارد شدند و ما را به بازداشتگاه انتقال دادند. چهار سال پیش ما پناهجو شدیم به این کشور و درخواست اقامت کردیم و به دلایل که یکی از این دلایل عدم مترجمان مسلط به زبان این کشور و دلیل دوم اینکه عدم آگاهی اداره مهاجرت از مناطق افغانستان، نامنی های مناطق افغانستان و دلیل سوم هم عدم اطلاعات دقیق وکلای تسخیری اداره مهاجرت این کشور از وضعیت افغانستان، وضعیت سیاسی - اقتصادی افغانستان، وضعیت حقوق بشری افغانستان. بعد از این من یکسری فعالیت هایی که داشتم و همانطور که شما اشاره کردید، صدای میلیون ها انسان را به گوش کشورها و افراد مختلفی رساندم، متأسفانه اینها اینطور با من برخورد کردند و گفتند که ما این تصمیم را از سال 2012 برای شما گرفتیم و شما باید خاک این کشور را ترک کنید. قبل از این من ملاقاتی داشتم با پلیس این کشور و دلایل موجه خود را برای ماندن و اینکه من



برگشتن ما به افغانستان وجود دارد و به راحتی می تواند برنامه ریزی کند تا جان ما را بگیرد.

**رهایی زن: در پایان اگر پیامی برای مراجع بین المللی و مدافعین حقوق بشر و حقوق زنان دارید بفرمایید.**

**سحر صامت:** تشکر مینو جان. من از سازمان ها خواهش می کنم با توجه به رویدادهایی که در افغانستان اتفاق افتاده است، ما متأسفانه در همین سه هفته آخر شاهد تجاوزهایی بودیم، تجاوزهایی که حتی دختری از در دانشگاه با یک ماشین یا پلاک دولتی دزدیده می شود و به او تجاوز می شود و این دختر مجبور می شود در رسانه ها به صورت صوتی حضور پیدا کند و این حرف را به گونه ای از خودش رد کند. خشونت بیش از حد و بی نهایت شده است در افغانستان. از سازمان ها خواهش می کنم که من و فامیل من و امثال من که خود را با هزاران رنج و سختی به اینجا کشاندیم و رساندیم، به ما کمک کنند و جان ما را نجات بدهند، واقعا ما در خطر هستیم و نگذارند که ما برگردیم چون که خطر مرگ واقعا من و فامیل من را تهدید می کند. من خواهش می کنم از سازمان ها، از بیننده های عزیز، شنونده های عزیز که ما را حمایت کنید و از سازمان ها خواهش کنید که پشت ما بایستند و از ما حمایت کنند تا بتوانیم در این کشور بمانیم.

**رهایی زن: سحر عزیز حتما مطلع هستید که در شبکه های اجتماعی برای آزادی شما و پدر عزیزتان فعالیت های گسترده ای آغاز شده و ما نیز به سهم خود مساله را دنبال خواهیم کرد. موفق باشید**

**سحر صامت:** سپاسگزارم از همه شما عزیزان، از همه دوستان که نام نمی برم چرا که از حوصله برنامه خارج است و حضور ذهن هم ندارم و نمی خواهم اسم عزیزی از قلم بی افتد. از همه تشکر می کنم از شما و هر کسی که ما را در این راستا همراهی می کند، یک دنیا سپاس، هم از طرف خودم و هم از طرف پدرم از همه تشکر می کنم.

**با سپاس از مژگان حاصلی برای پیاده کردن متن مصاحبه**

8 مارس - تهران

8 مارس - مهاباد



برگزاری 8 مارس در رشت

به لینک زیر مراجعه کنید:

<https://ja-hanezan.wordpress.com/2015>

8 مارس - سقز



8 مارس - تهران

از خیابان ها تا مترو

8 مارس - مریوان





8 مارس در کشورهای مختلف از نگاه تصویر



8 مارس - گوتنبرگ/سوئد



8 مارس - افغانستان



8 مارس - ترکیه



8 مارس - کانادا/تورنتو



8 مارس - عراق/سلیمانیه



8 مارس - بلژیک



8 مارس - نروژ/اسلو



8 مارس - آلمان/هانوفا



8 مارس - آلمان/شتوتگارت



8 مارس - ترکیه/آنکارا



اطلاعیه 8 مارس در شهر شتوتگارت- آلمان

**8 مارس، روز جهانی زن گرامی باد**

8 مارس روز جهانی زن را به زنان ایران و همه زنان و مردان ازادیخواه تبریک می گوئیم. مبارزه زنان در ایران برای حقوق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی خود بخش بزرگی از تاریخ معاصر ایران را شامل می شود. زنان در انقلاب مشروطه حق رای و آموزش و تحصیل و حضور اجتماعی را خواستار شدند. اما پیروزی مشروطه هم زنان را از نگاه تحقیر آمیز و تبعیض و ستم جنسی رها نکرد.

در دوران سلطنت پهلوی هم هیچ یک از تشکل های مستقل زنان اجازه فعالیت نیافتند.

انقلاب 57 که زنان به امید آزادی و برابری در آن شرکت فعال داشتند با روی کار آمدن حکومت مذهبی اسلامی و فرامین حجاب اجباری و محروم کردن زنان از قضاوت و صدور دیگر قوانین ضد زن، آغاز یک آپارتاید جنسی تمام عیار در رابطه با زنان بود. اولین 8 مارس بعد از پیروزی انقلاب بهمن 57 با اعتراض به حجاب اجباری در خیابان های تهران و دیگر شهرهای ایران شروع شد. این تظاهرات ازادیخواهانه از طرف حزب اللهی های طرفدار خمینی مورد حمله خشونت بار قرار گرفت. تاریخ مبارزه این دوره 36 ساله حاکمیت جمهوری اسلامی و قوانین مذهبی ضد زن را بدون مبارزه روزمره زنان و دختران جوان علیه ستم و تبعیض جنسی و آپارتاید جمهوری اسلامی نمیتوان نوشت. زنان ایران در یک حاکمیت سیاه، در همه عرصه های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و آموزشی حضور موثر خود را نشان داده اند و این جز با دفاع جانانه و با چنگ و دندان از حقوق برابر با مردان در همه عرصه های کار و زندگی از کارخانه تا محیط های آموزشی و در جامعه و خانواده ممکن نشده است.

هیچ تاریخ نگار منصفی نمی تواند نقش زنان و دختران جوان در مبارزه برای آزادی و برابری و عقب راندن تدریجی جمهوری اسلامی را انکار کند. مبارزاتی که هم رژیم اسلامی و قوانین ضد زنش را مدام به چالش کشیده و به عقب نشینی هایی وادار کرده و هم محدودیت های اجتماعی چه توسط قوانین رژیم و چه مردسالاری در جامعه و خشونت خانگی را به تمسخر گرفته است. اما نباید فراموش کرد که این تلاش های انسانی زنان و دختران جوان تاوان های زیادی هم داشته است. دستگیری و تعقیب و زندان و شکنجه و اعدام، تحمل فشارهای سیاسی و فرهنگی و اخلاقی توسط دولت و مردسالاری در جامعه و خانواده، تحمل فقر و محرومیت زنان کارگر و سرپرستی بخش نه چندان کمی از خانواده ای کارگران و زحمتکشان توسط زنان، فشارهای کمرشکنی بر زنان و دختران جوان در ایران وارد آورده که تا کنون ادامه دارد. در هفته های اخیر صدها هزار معلم و پرستار در تمام شهرهای ایران در حق خواهی برای رفاه و بهبود معیشت زندگی و بیان درد مشترک طبقه محروم جامعه، دست به اعتراض و اعتصابات گسترده ای زدند.

8 مارس امسال برای زنان در ایران روز دیگری درتداوم تلاشهای آزادیخواهانه و برابری طلبانه شان است. اجازه بدهید در اینجا اعلام کنم که اگر در این روز زنان ایران با مانع پلیس و نیروهای نظامی و باند سیاهی جمهوری اسلامی روبرو نمی شدند ما شاهد حضور ده ها میلیونی زنان درخیابانهای تهران و شهرهای بزرگ و کوچک در ایران بودیم. جمهوری اسلامی خود بهتر از هر کسی می داند که با چه چالش عظیم جنبش آزادی و برابری زنان روبرو بوده و هست. کم نیستند کسانی که معتقدند انقلاب بعدی ایران و جهان انقلابی زنانه خواهد بود.

**زنده باد 8 مارس**

**پیروز باد جنبش آزادی و برابری زنان در ایران و همه ی جهان**

**مرگ بر حکومت جمهوری اسلامی زن ستیز**

**سازمان رهایی زن**

**واحد آلمان- شتوتگارت**

**8 مارس 2015**

## روایت های زندان زنان از زبان غنچه قوامی و الهام فردوسی

صدای ایرانیان (کمیته زنان) به نقل از کانون زنان ایرانی

<http://goo.gl/z5i2wB>

ارائه تصویر غیرواقعی از زنان بزهکار: «مجرم به دنیا آمده و مجرم از دنیا خواهند رفت»

هر از گاهی به بهانه انتقال زندانیان سیاسی به ندامتگاه شهرری، صدای حقوق بشر در اعتراض به وضع اسفناک بهداشتی-رفاهی این زندان بلند می‌شود. گفت‌وگوهای این زندان بشری دست و پا شکسته‌ای که گاه تنها بر حقوق زندانیان سیاسی تاکید کرده، متهمین و محکومین جرائم اجتماعی را افرادی خطرناک معرفی می‌کند. اخبار و بیانییهایی که گاه به طور ضمنی زندانی غیرسیاسی را فاقد "حقوق اولیه انسانی و جهانشمول" می‌پندارد. به دور از نگاه احساسی-خیریه‌ای بالا دستی طبقه متوسط به زنان آسیب دیده، سه هفته از دوران بازداشت را با زنان قاتل، سارق، قاچاقچی و غیره هم زیست شده‌ام:

یک:

۲۱ ساله و ۲۳ ساله هستند. هر دو خواهر متهم به حمل شیشه. ۸ سال پیش با دو برادر ازدواج کرده‌اند. خواهر بزرگتر دختری ۶ ساله دارد و دائم نگران آینده او است. مبدا روزی پای دخترش به‌جایی چون قرچک باز شود. می‌خواهند زبان انگلیسی و کامپیوتر را هم‌زمان یاد بگیرند، اما ساعات دو کلاس تداخل دارد. قرار می‌شود بعدازظهرها، بعد از اتمام ساعات کارآموزی و اشتغال، دریند، برایشان کلاس خصوصی زبان بگذارم. آن‌قدر کلاس‌ها را جدی گرفته‌اند، که من هم سخت‌گیر شده‌ام. هر وقت از جلوی کابینشان رد



او حیاتی بود. سه:

"ن" ۳۳ ساله است. کم‌حرف و خجالتی. به خاطر بدهی ناچیزی اینجاست. با گروه ۵-۴ نفره متهمین کلابرداری‌های میلیاردی هم کابین شده است. متهمینی که در زندان قرچک هم‌دست از توصیف سفرهای خارجی و لباس‌های مارک‌دار خود بر نمی‌دارند. "ن" با آن‌ها فرق دارد. مدام به او دستور می‌دهند. تعجب می‌کنم که چطور با آنان هم‌سفره شده است. مدتی بعد فهمیدم که به ازای پرداخت مخارج هفتگی، کارهای کابین کلابرداری را انجام می‌دهد. حتی شستن لباس‌زیرشان را هم گردن "ن" می‌اندازند. رفتارشان با او تحقیرآمیز است، گاه سرش که داد می‌زنند، بغض می‌کند و اشک می‌ریزد. به دادیار زندان گزارش می‌دهم که زندانیان محروم و محتاج را رسماً استنمار کرده‌اند. می‌گوید استخدام مددجو به‌عنوان کارگر شخصی، توسط دیگر مددجویان خلاف قانون است، اما تاکنون موفق به برجیدن این بساط نشده‌اند.

دو:

۲۲ ساله، متهم به سرقت و عضو تیم "کارگری" زندان است. تیم کارگری یعنی سه بار شستن حمام و دستشویی‌های سالن در شبانه‌روز، آشپزی و انجام امورات آشپزخانه، جارو زدن کل سالن و طی کشیدن کریبورهای عریض و طولانی آن‌هم توسط عده‌ای محدود، به ازای مبلغی ناچیز در هفته، می‌گوید نذر کرده است که خدمت کند، ولی می‌دانم که خانواده‌اش هرگز پولی به حسابش واریز نمی‌کنند. شوهر سارق بوده و حسود. در اعترافات به دست داشتن زنش هم اقرار کرده است تا به سرش نزند طلاق بگیرد. صبح تا شب می‌شورد و می‌سابد و فرصت کارآموزی ندارد. بعدازظهرها برای یادگرفتن الفبای انگلیسی به سراغ من می‌آید. می‌گوید درد و رنج خنگش کرده و ذهنش توانایی ثبت چیزی جز بدبختی را ندارد. یک روز که از شدت درد کلیه به خود می‌پیچید، تنها نگرانی‌اش این بود که سالن را جارو نزده است. با توپ‌وتنشر او را به بهداری فرستادم. عضویت در گروه کارگری و وابستگی به درآمد ناچیز حاصل از آن، برای

چهار:

۲۵ ساله است و زیر دیپلم. دستیار شوهرش در جعل اسناد بوده و حالا گیر افتاده است. برای آزادی زندانیان وثیقه جعل می‌کرده‌اند و می‌فروخته‌اند. همه‌چیز را گردن گرفته است تا شوهرش آزاد بماند. عصبانی می‌شوم، می‌گویم شوهرش را خیلی دوست دارد و مطمئن است او اگر بیرون باشد نمی‌گذارد زنش در حبس بماند. سه‌ماهه حامله است. اصرار دارد به کسی نگویم، مسوولین اگر باخبر شوند او را به بند مادران انتقال خواهند داد. صبح تا شب در آشپزخانه زحمت می‌کشد. کم‌حرف و آرام است. شخصیتش را دوست دارم. قبل از خواب شعر می‌خواند و کتاب شاملوش

را گاه به من قرض می‌دهد. بیشتر ساعات روز را در آشپزخانه می‌ماند. زمانش را به‌سختی تنظیم می‌کند و باهم به جلسات شعرخوانی کتابخانه، که تازه دایر شده است، می‌رویم.

پنج:

"میم" اموراتش را با شستن لباس زندانیان بند می‌گذراند و به خریدی که درازای زحمتش نصیبش می‌شود محتاج است. می‌خواهم تی‌شرت را بشورم. " به میم بدهی خوشحال می‌شود." ۲۴ ساله است و مطلقه، ۱۱ سالگی ازدواج کرده و دختری ۸ ساله دارد. ادعا می‌کند که بابت چند گرم شیشه که متعلق به دوست‌پسرش بوده، بازداشت‌شده است و حاضر به اقرار علیه او نیست. عاشقانه پسر را دوست دارد و دائم از کتابخانه، کتاب شعر می‌گیرد و منتخب اشعار عاشقانه را در دفتر برای او می‌نویسد: "در فراسوی مرزهای تنم تو را دوست می‌دارم، در آن دور دست بعید...". یا طشت لباس به دست دارد و یا کتاب شعر. باهم به کتابخانه می‌رویم و رفیق می‌شویم. می‌گویم به‌هیچ‌عنوان نمی‌توانم به‌خوبی او لباس بشورم، می‌گوید: "تو هم ۱۱ سالگی به خانه شوهر رفته بودی می‌توانستی". بابت شستن تی‌شرت، برایش دفتر و خودکار می‌خرم.

شش:

مفهوم حبس و فلسفه مجازات به‌طورکلی، علاوه بر تنبیه، بازپروری بزهکاران را نیز در نظر دارد. ایده اصلی توان‌بخشی در زندان، ممانعت از تکرار



جرم و ادغام مجرم در جامعه پس از آزادی است. توان‌بخشی و بازپروری روندی بسیار دشوار است، چراکه متهم-مجرم از مردم جدا افتاده و محدود به جامعه‌ای کوچک می‌شود که ارتکاب جرم در آن قبحی ندارد و سبکی از زندگی است. تراکم جمعیت در نبود امکانات رفاهی، بهداشتی و آموزشی، شرایطی غیرانسانی را پدید می‌آورد که ناعادلانه و فراتر از محدوده مجازات (سلب آزادی) است. در چنین شرایطی، زندان از خاصیت بازدارندگی خود تهی شده و فضایی برای تبعیض و تحقیر مضاعف زندانیان و بعضاً انتقال و یادگیری تجارب بزهکارانه فراهم می‌کند.

اشتغال و آموزش در زندان، به‌عنوان یکی از ابزارهای پیشگیری کیفری و روش اصلاح بزهکاران، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ندامتگاه شهرری به علت کمبود بودجه و ظرفیت‌های محدود از یکسو و افزایش جمعیت کیفری از سوی دیگر کارکرد اصلاح‌گرایانه خود را تا حدودی از دست داده است. زنان بزهکار، علاوه بر تخطی از قانون، مرتکب جرائمی شده‌اند که تداعی‌گر مفهوم "مرد بودن" است. امری که از منظر اجتماعی انحرافی از "اصل زنانگی و رفتار متعارف زنانه" است. بنابراین در مواردی توسط خانواده، همسر و اطرافیان نیز طرد می‌شوند و هیچ‌گونه پشتوانه و مالی و عاطفی خارج از زندان ندارند، حتی اگر در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با تخلفات مردانشان بازداشت‌شده باشند. این زنان، در نبود امکان شغلی و عدم دریافت کمک‌هزینه از خارج زندان (به دلیل طرد شدن و یا فقر خانواده)، توان خرید همان چند قلم خوراکی فروشگاه

زندان (آب‌معدنی، ساندویچ کالباس، تن مرغ و تن ماهی و ...) را نداشته و به جیره‌های غذایی و بهداشتی دولتی وابسته می‌شوند. جیره دولتی به معنای غذای غیراستاندارد و بدون مرغ و گوشت و همچنین جیره بسیار محدود لوازم بهداشتی در ماه است.

زنان بزهکار، درجه متفاوتی از خشونت نظام طبقاتی و جنسیتی را تجربه کرده‌اند. هرگونه حمایت از زنان قرچک در وهله اول مستلزم در نظر گرفتن این تفاوت‌هاست. قدم بعدی به رسمیت شناختن تقلای زنان برای کسب درآمد و به دست آوردن حداقلی از سطح زندگی باوجود محدودیت‌های قرچک است. مبارزه‌ای شبیه آنچه به‌طور روزمره، خارج از زندان، در قلمرویی آزاد و وسیع در جریان است. ارائه تصویری مطلق و غیرواقعی از زنان بزهکار به‌عنوان مجرمین خطرناک، معتاد و وحشی و یا قربانیانی منفعل و یک‌گوشه افتاده، درنهایت به تشدید نگاه دیگری سازی ختم می‌شود که این زنان را مستحق شرایط غیراستاندارد زندان قرچک می‌پندارد. تصویر زنانی تهی شده از عاملیت و تمامی وجوه انسانی که "مجرم به دنیا آمده و مجرم از دنیا خواهند رفت".

### روایتی از الهام فردوسی زندانی سابق زندان قرچک



لالایی مادران زندانی برای  
کودکانشان: لالا لالا گل نازم،  
چرا درها به روت بسته‌اس

الهام فردوسی زندانی سابق زندان قرچک و دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد انرژی در دانشگاه پلی تکنیک و کارمند وزارت امور اقتصاد و دارایی که به جرم جعل امضای مقامات کشور بازداشت شد، اتهامی که به گفته خودش مربوط به روزهایش در سازمان امور اقتصادی دولت احمدی‌نژاد بود اما جز یکبار حتی به بازپرسی و دادگاه هم نیامدند. می‌گوید اتهامش هرگز اثبات نشد اما به چهار سال زندان محکوم شد و دو سال رادر زندان قرچک ورامین گذرانده است.

در مرحله ارائه پایان نامه در دوره کارشناسی ارشد بود که به زندان افتاد و نتوانست از پایان نامه‌اش دفاع کند. مقاله‌اش در دی ماه 90 در همایش چالش‌های اقتصادی مقام دوم کشور را به دست آورده بود. به خاطر اینکه دانشجوی ممتاز بود دوره کارشناسی ارشد را به عنوان بورسیه بنیاد ملی نخبگان کشور آغاز کرد. اما حالا به گفته خودش 26 ساله، بی‌کار، سابقه‌دار، در یک شهرستان کوچک زندگی می‌کند.

الهام 31 روز در بند مادران قرچک گذرانده است، مادرانی که به همراه کودکانشان حبس می‌کشند. روایت این روزها را برای کانون زنان نوشته است. پسنا خواهرزاده 3 ساله‌ام یکی‌یکی لباس‌ها را می‌پوشد و نشاتم می‌دهد. کلی کیف می‌کند، 6 ماهه بود که پدرش را از دست داد. اوایل خیلی دلم برایش می‌سوخت، هر بار که نگاهش می‌کردم بی‌پدیری را در چهره‌اش می‌دیدم، 2 روز قبل

از تولد 1 سالگی‌اش راهی زندان شدم روز تولد او در 209 زندان اوین بودم. کلی به خاطرش گریه کردم و داد زدم.

مدتی بعد به قرچک ورامین انتقال دادند البته بدون هیچ تحقیق و رسیدگی نسبت به اتهام، از در کوچک زندان که رد شدیم حیاط بزرگی بود البته بهتر است بگویم بیابان، سه روز قرنطینه و بعد قسمت اصلی زندان، قبل از اینکه به قرچک بروم از کسانی که در زندان اوین بودند، شنیده بودم که به جای وحشتناکی می‌پرندم. اما هیچ‌وقت تصور نمی‌کردم که در این حد باشد. اولین صحنه‌ای که بعد از ورودم به سالن 3 دیدم هیچ‌گاه از جلوی چشم کنار نمی‌رود. یک سوله بزرگ و نسبتاً تاریک، دور سالن پر از تخت و وسط سالن زنان ردیف ردیف نشسته بودند. از جلوی در تا ته سالن که در کوچکی بود و راه حیاط و سرویس بهداشتی، همان‌طور مات و بیخزده ایستاده بودم و ساک راحله دستم بود که خودش به من داده بود، او قبلاً آنجا بوده و بعد برده بودندش اوین، دختر قدبلندی با تی‌شرت پسرانه مشکی به طرف من آمد. گفت: برای چی اسم راحله رو نوشتی رو ساک؟ سحر مهابادی بود. فردای آن روز مرا به حفاظت زندان بردند. دو نفر از اداره اطلاعات و امنیت آمده بودند یک مرد و یک زن. زن اصلاً حرف نمی‌زد، اولین جلسه بازپرسی‌ام بود بعد از 3 ماه، در دفتر رئیس حفاظت زندان، بدون یادداشتی. برگه‌ای، بدون یادداشتی. حرف‌هایشان که تمام شد یک برگه روی میز گذاشت و به رئیس حفاظت زندان گفت: میره انفرادی. باز انفرادی. انتهای کالیدور (زندانیان عادی به سالن و کریدور می‌گویند کریدور) زندان یک در کوچک ادامه در صفحه ی ←

## ماریا یوسفزی



و تحت خشونت قرار دارند. 2433 مورد، رقمی است که از خشونت علیه زنان در شش ماه اول سال جاری توسط بخش حمایت از حقوق زنان در کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به ثبت رسیده است. جمله وضعیت بد امنیتی و تداوم جنگ در بسیاری از ولایت‌های کشور، عدم داشتن کنترل دولت در برخی از ولسوالی‌ها و حاکمیت سنت خفقان و سکوت در زندگی خانوادگی افغانی که مبتنی بر آن زنان نمی‌توانند در برابر خشونت‌های که علیه آنان از طرف شوهر یا یکی دیگر از اعضای خانواده‌ی آنان تحمیل می‌گردد، اعتراض کنند. بنابراین، مواردی زیادی از خشونت در سراسر کشور اتفاق می‌افتد که هیچ‌وقت افشا نشده و توسط نهادهای مدافع حقوق بشری زنان، نیز ثبت

روز جهانی زن، تجلی تاریخی مبارزات هزاران ساله‌ی زنان است. در این روز به خون کشیده شدن زنان کارگر نیویورک آغازگر تقویم مقاومت‌ها، اعتراضات و مبارزات زنان شد. هشت مارچ روزی است که زنان با نگاهی به تاریخ خونین خود با وجود سرکوب‌ها، آرمان‌هایشان را جلایی دوباره بخشیده و به هر شکل ممکن این روز را گرامی می‌دارند. اما متأسفانه در افغانستان اراکین دولت مافیای دولت مرد سالار وزن ستیز از این روز بشکل سمبولیک تجلیل می‌کنند در حالیکه خشونت علیه زنان در این سیزده سال اخیر زیاده‌ترین امار داشته که به اشکال مختلف زنان ستم دیده اند

زنان افزایش تقریباً 108 درصد افزایش را نشان می‌دهد که بیشتر از دو برابر است. خواهران مادران! برخیزید بیدار شوید تاکی شما به ساکت بودن خودرا آرام میسازید وقت ان رسیده ه که برای آزادی برابری واعاده حقوق خودمبارزه کنید. به امید تلاش های خسته ناپذیر شما.

قربانیان آن افزوده شده و رقم خشونت بالا و بالاتر می‌رود. رقم خشونت نسبت به سال گذشته در کشور دو برابر افزایش یافته و وضعیت جدی و خطرناکی را نشان می‌دهد: «در سال گذشته مجموع موارد خشونت علیه زنان که توسط کمیسیون در شش ماه اول سال به ثبت رسیده بود به 1176 مورد می‌رسید. بنابراین، در سال جاری آمار خشونت علیه

## روایت های زندان زنان.....

بود، باز شد و گفت برو تو، در را بست و رفت. بوی خیلی بدی می‌آمد، همه‌جا کثیف بود. سه اتاق با کف سیمانی، بدون سرویس بهداشتی و حتی پتو. فکر کردم کف راهرو رنگ ریخته‌اند، اما فهمیدم خون بود. وحشتناک بود. باور کنید تا آن زمان احساس می‌کردم این چیزها فقط در فیلم‌ها وجود دارد. اما حالا خودم با چشم خودم می‌دیدم. نمی‌دانم چند ساعت گذشته بود، هم گرسنه بودم و هم تشنه. از طرفی هم می‌ترسیدم. با مشت و لگد به در می‌کوبیدم و داد می‌زدم. همین‌که ساکت شدم صدای بچه‌ای را شنیدم گفت: اسمت چیه؟ مانده بودم چه بگویم اول فکر کردم بچه‌ی یکی از مأموران است گفتم اسمم الهامه، اسم تو چیه؟ برو به مامانت بگو بیاید. گفت مامانم خوابه و رفت. باز شروع کردم به داد زدن و مشت و لگد به در. از آن طرف یکی با مشت به در زد: هی چته؟ گفتم: آب می‌خوام، می‌ترسم، اینجا موش داره، زمین خونیه. آرام‌تر گفتم: می‌دونم، ببین در اینجا روبروی بند ماست. بچه‌ام مریضه به‌زور خوابوندمش. تو رو خدا داد نزن بذار بخوابه. فردا صبح که در را باز کردند بند بچه‌دارها را دیدم. 14 بچه زیر 2 سال همراه مادرانشان در زندان قرچک ورامین و 9 زن باردار در آنجا نگهداری می‌شدند. خودم را فراموش کردم. تمام 24 روزی که آنجا بودم فقط به بچه‌ها فکر می‌کردم. 24 روز در انفرادی ماندم. بدون اینکه حتی یکبار استحمام کنم و این 24 روز باعث شد دیگر از موش‌ها نترسم. بعد از 24 روز مرا به بند بچه‌داران فرستادند. چون تلفن و ملاقاتم قطع بود و آنجا جمعیت کمتری بود و راحت‌تر کنترل می‌کردند.

بند بچه‌داران با بندهای دیگر فرق می‌کرد. 4 اتاق داشت که مثلاً تمیزتر بود و تنها تفاوتش تختهای فلزی رنگی دو طبقه بود. بزرگترین بچه آنجا سارینا بود که یک سال و 9 ماهه بود. مادرش به 15 سال زندان محکوم بود و پدرش در زندان رجایی‌شهر محکوم به اعدام، سارینا حرف نمی‌زد. پسر بچه‌ای هم بود که چند ماه از سارینا کوچکتر بود. محمد دست و پا شکسته حرف می‌زد. بچه‌های دیگر هم همینطور با یکی 2 ماه فاصله تا نوزادان که 2 تا بودند و هر دو دختر.

31 روز در بند بچه‌داران ماندم که حتی 1 دقیقه از آن 31 روز را فراموش نکرده‌ام. نزدیک عید است و بچه‌های بیرون می‌روند، می‌دوند، بازی می‌کنند، همراه پدر و مادرشان سال نو را شروع می‌کنند و حتی همراه خانواده‌شان غذا می‌خورند. اما کودکانی که زندانی شده‌اند چه؟ بیشترشان حتی معنی پدر را نمی‌دانند. محبت مادرشان را ندیده‌اند. مادری که برای فرزندش لالایی می‌خواند «لالا لالا لالا لالا لالا گل نازم، چرا درها به روت بسته‌س.. لالا لالا لالا...» مادری که با حکم حبس ابد زندانی است با خانواده‌ای فقیر. مادری باردار که یک هفته تا به دنیا آمدن فرزندش فاصله دارد و دعایش این است که حکمی که دادگاه قرار است برایش صادر کند ابد باشد نه اعدام. نمیدانم آنجا مادران چه احساسی دارند؟

کودکان آنجا هر کدام یک شیشه شیر ندارد. کل بند بچه داران 1 شیشه شیر دارد و تنها کاری که برای رعایت بهداشت بچه‌ها می‌توان کرد شستن شیشه با آب است. کودکان آنجا عروسک ندارند. اسباب بازی ندارند. کارتون نگاه نمی‌کنند، پارک نمی‌روند، لباس نو نمی‌پوشند و کودکان آنجا حتی یک بار پیژا نخورده‌اند، اصلاً اسمش را نشنیده‌اند. چرا می‌گویم پیژا؟! اصلاً کوکو نخورده‌اند، میوه نخورده‌اند، گوشت نخورده‌اند، آب خنک نخورده‌اند



عفو بین‌الملل می‌گوید: **ایران زنان را به ماشین زاد و ولد تبدیل می‌کند**

اجتماعی

سازمان عفو بین‌الملل از سیاست‌های جمعیتی در ایران انتقاد کرد. بنا بر اعلام این سازمان، طرح‌های مطرح در این حوزه حقوق اولیه زنان را محدودتر می‌کنند و آنان را در معرض خطرات جسمی و محدودیت‌های اجتماعی بیشتر قرار می‌دهند.

سازمان عفو بین‌الملل روز چهارشنبه (۱۱ مارس/ ۲۰ اسفند) با انتشار بیانیه‌ای از سیاست‌های جمهوری اسلامی در حوزه باروری و فرزندآوری انتقاد کرد و طرح‌های موجود در زمینه افزایش جمعیت را ناقض حقوق اساسی زنان برشمرد. به اعتقاد کارشناسان این سازمان حقوق بشری، طرح‌های موجود حقوق زنان در ایران را بیش از پیش محدود می‌کنند و با ممنوع‌کردن پیش‌گیری اختیاری از بارداری، سطح زنان را تا حد "ماشین زاد و ولد" فرو می‌کاهند.

### حسیبه حاجی صحراوی، معاون بخش خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین‌الملل

در بیانیه این سازمان به نقل از حسیبه حاج صحراوی، معاون بخش خاورمیانه و آفریقای شمالی عفو بین‌الملل آمده است: «طرح پیشنهادی اقدامات تبعیض‌آمیز را نهادینه می‌کند و سطح حقوق زنان و دختران در ایران را چند دهه به عقب برمی‌گرداند. مقامات در حال اشاعه فرهنگ خطرناکی هستند که در آن زنان از حقوق بنیادین خود محروم می‌شوند و به آنان به‌جای انسان‌هایی با حقوق بنیادین همچون اختیار تصمیم‌گیری در مورد بدن و زندگی، به عنوان ماشین زاد و ولد نگریسته می‌شود.»

### کاهش قابل ملاحظه شمار زنان شاغل در ایران

#### محدودیت‌های اجتماعی برای زنان مجرد یا بدون فرزند

"طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده" از جمله طرح‌هایی است که عفو بین‌الملل از آن انتقاد کرده است. این طرح بعد از انتقاد آیت‌الله خامنه‌ای از سیاست‌های کنترل جمعیت در دو دهه اخیر با هدف تشویق به افزایش جمعیت در مجلس شورای اسلامی تدوین شد و "نیل به نرخ باروری ۲/۵ درصد در رشد کمی جمعیت تا سال ۱۴۰۴ توام با ارتقای کیفی جمعیت و تثبیت آن تا سال ۱۴۳۰" را هدف گرفته است. این طرح در هفته‌های آتی در مجلس به رأی گذاشته خواهد شد.

گزارش عفو بین‌الملل تصریح می‌کند که نهایی‌شدن طرح مجلس نه تنها حقوق اولیه زنان را از آنان می‌گیرد، بلکه به تبعیض‌های جنسیتی دامن می‌زند و مانعی است برای حضور اجتماعی زنانی که آگاهانه نمی‌خواهند یا در شرایطی نیستند که ازدواج کنند و مادر شوند.

چه کسی از سیاست افزایش جمعیت سود می‌برد؟

جراحی پیشگیری از بارداری در ایران ممنوع شد

### اصرار نمایندگان زن بر تصویب قوانین ضدزن

بر اساس این طرح، اولویت استخدام با پدران، مردان متأهل بدون فرزند و مادران است. در همین چارچوب جدایی زوج‌ها و دخالت پلیس و نهادهای قضایی در اختلافات خانوادگی دشوارتر می‌شود؛ امری که به مرور می‌تواند به افزایش خشونت خانگی علیه زنان دامن بزند.

### محدودیت‌های بهداشتی و اجتماعی برای زنان

همچنین در "طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور" که مجلس شورای اسلامی آن را تدوین کرده، به مواردی از قبیل ممنوعیت جراحی‌های پیشگیری از بارداری یا ممنوعیت تبلیغ رسانه‌ای روش‌های پیشگیری از بارداری اشاره شده است. به زعم عفو بین‌الملل، ممنوعیت جراحی‌های ضد بارداری به عنوان دومین روش پیشگیری از فرزندآوری در ایران، زنان را از اتخاذ "تصمیمات بنیادین" در حوزه تنظیم خانواده محروم می‌کند.

سازمان عفو بین‌الملل همچنین از لغو قانون تنظیم خانواده در ایران انتقاد کرده است. بر این اساس، با توقف طرحی که تا سال ۲۰۱۲ امکان پیشگیری از بارداری با روش‌های به روز و مقرون به صرفه را برای میلیون‌ها زن در ایران فراهم می‌کرد، ریسک بارداری‌های ناخواسته به شدت افزایش یافته و زنان را به سوی سقط جنین غیرقانونی در شرایط پرخطر هدایت می‌کند.

"طرح افزایش نرخ باروری و پیشگیری از کاهش رشد جمعیت کشور" تابستان گذشته با رأی اکثریت نمایندگان تصویب شد و پس از اعمال تغییراتی در انتظار رأی شورای نگهبان است.

سیاست‌های سال‌های اخیر در حوزه تنظیم خانواده و فرزندآوری در ایران با اعتراض نهادها و کنش‌گران مدنی نیز روبه‌رو شده است. زمستان ۱۳۹۲ بیش از ۶۵۰ فعال مدنی به "طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده" **اعتراض کردند**. هر چند سیاست‌های جاری در این حوزه که بر پایه موضع‌گیری‌های رهبر جمهوری اسلامی برای مقابله با کاهش جمعیت تدوین شده‌اند یا می‌شوند، به نظر می‌رسد با تغییر دولت هم دست نخورده باقی بمانند.

## دروغ‌هایی که در مورد سکس به دخترها نباید گفت برگردان: الهه ایمانیان برگرفته از تریبون زمانه \*

همه‌ی ما می‌دانیم که جامعه اصرار زیادی بر کنترل بدن، و میل جنسی دختران دارد. اما ما واقعا چه چیزی به دختران امروز در مورد سکس و رابطه جنسی آموزش می‌دهیم؟

با وجود عقاید تاریخ گذشته‌ای که هنوز درباره نقش‌های جنسیتی وجود دارد و میل جنسی زنان هنوز چیزی شرم‌آور قلمداد می‌شود، به نظر می‌رسد که باورهای مضر هنوز درباره دختران و رابطه جنسی وجود دارد که گویا به راحتی از بین نمی‌روند.

حتی در کشوری مثل آمریکا با وجود آموزش‌های زیادی که در مدرسه در مورد سکس به دختران داده می‌شود، هنوز این آموزش‌ها کمکی نکرده است. یک مطالعه جدید از طرف مرکز کنترل بیماری‌ها در آمریکا گزارش کرده است که از هر ۱۰ دختر، ۶ نفر آنها گفته‌اند که برنامه‌های آموزشی مدرسه فقط به آنها یاد می‌دهند که چگونه با سکس «نه» بگویند. این میزان از عدم عاملیت شخصی که دختران در مورد رابطه جنسی می‌آموزند در یک مطالعه دیگری نیز توسط جامعه‌شناس دانشگاه مارکت، هدر لاوکا، منعکس شده است. این مطالعه هم نشان داده است که دختران جوان سکس را چیزی می‌دانند که برآنها اتفاق می‌افتد و اعمال می‌شود.

دانش، قدرت است و ما می‌توانیم با تشویق یک دیالوگ بازتر، به دختران آموزش دهیم که با میل جنسی خود احساس بهتر و راحتی داشته باشند، به آنها تاکید کنیم که بدن‌های آنها مال آنها فقط مال آنهاست و به آنها کمک دهیم رابطه سالم‌تری با سکس داشته باشند.

اما در ابتدا ما نیاز داریم که تداوم این ۱۲ دروغ و باوری که در مورد میل جنسی زنان وجود دارد را متوقف کنیم:

### ۱) چیزی به اسم «باکرگی» وجود دارد

مفهوم و معنای باکارت، باوری مردسالار، مرد محور و دگرجنس‌گرا محور است. این مفهوم درباره زوج‌های همه‌جنس‌گرا و انواع دیگر رابطه جنسی مصداقی ندارد. تاکید و وسواس فرهنگی در مورد باکرگی بیشتر روی این است که دختران باید پیش از هر چیزی پاکدامن و عقیف باشند، در صورتی که وقتی دقیق‌تر بررسی کنیم، متوجه می‌شویم حتی اگر پاکدامنی و «سکس نداشتن» اولویت ما باشد، ربطی به باکرگی به معنای نداشتن سکس و ازنی ندارد چون انواع مختلفی از سکس وجود دارد که لزوما از طریق واژن اتفاق نمی‌افتد.

یک معنا و مفهوم جهانی از باکرگی وجود ندارد، بنابراین مردم باید بتوانند مشخصه‌های مهم رابطه جنسی را برای خودشان تعریف کنند.

### ۲) پرده بکارت نشانه باکرگی است

نباید بر ایمان تعجب‌برانگیز باشد که درحقیقت هیچ راه پزشکی برای نشان دادن اینکه کسی باکره است یا نه وجود ندارد. پرده بکارت به مرور در نوجوانی و در حین بلوغ فرسوده می‌شود و می‌تواند با فعالیت ساده‌ای به راحتی پاره شود. و مهم‌تر این‌که برخی زنان از بدو تولد پرده بکارت ندارند.

**باوجود این واقعیت که بیش از نیمی از زنان در اولین تجربه سکس خود خونریزی نمی‌کنند، خون روی ملاقه در طول تاریخ و حتی امروزه عنوان نشانه باکرگی باقی مانده است.**

اصرازی که بر این باور اشتباه در مورد باکرگی وجود دارد، منجر به تولید پرده‌های بکارت ساختگی و عمل جراحی برای بازگرداندن آن شده است. در نتیجه به طرز نگران‌کننده‌ای دختران در سراسر جهان با تحقیر و هجوم تست‌های باکرگی هستند تا دیگران از عفت آنها مطمئن شوند.

### ۳) اولین سکس بسیار دردناک و سخت است

بیشتر دردی که به زنان جوان آموخته می‌شود که باید در اولین سکس خود انتظار داشته باشند، در واقع مربوط به تنش عضلانی ناشی از استرس است. خون معمولا به خاطر پارگی یافت واژن دیده می‌شود که ناشی از خشکی واژن است و دلیل آن هم عدم عشق‌بازی و تحریک لازم زنان پیش از اینترکورس (دخول) است، نه به خاطر پارگی پرده بکارت.

**اگر ما ترساندن دخترها را از درد ناشی از سکس بار اول متوقف کنیم، شرایط برای همه راحت‌تر و ساده‌تر خواهد بود.**

### ۴) اگر کسی کاری برای شما انجام دهد، یا چیزی برای شما بخرد، شما به او سکس بدهکار می‌شوید

اصلا مهم نیست که چیزی که برایتان می‌خرند، یک بطری آب است یا یک گردنبند الماس، شما هرگز به هیچ‌کس سکس بدهکار نیستید، هرگز.

### ۵) زنان خیلی زیاد به سکس فکر نمی‌کنند

بسیاری از سکس‌ولوژیست‌ها به این نتیجه‌ی مشابه رسیده‌اند که زنان به اندازه مردان سکس می‌خواهند. در تصور عمومی اینگونه جا افتاده است که مرد واقعی کسی است که شهوت زیادی دارد. اما این باورها در واقع از میل جنسی مرد یک کاریکاتوری ساخته است که حتی مردان از نشان دادن اینکه گاهی سکس نمی‌خواهند می‌ترسند و یا بیشتر از آنکه احساسات خود را بروز دهند، میل جنسی خود را بروز می‌دهند. این حتی به مردان هم آسیب می‌زند.

### ۶) زنان سکس تفتنی و اتفاقی را دوست ندارند

زنان نه تنها سکس می‌خواهند بلکه طبق مطالعات صورت گرفته و برخلاف باور عمومی زنان می‌توانند با کسی سکس داشته باشند بدون اینکه لزوما رابطه احساسی و عاطفی با او داشته باشند. آمار نشان می‌دهد زنان سکس اتفاقی و تفتنی با کسی که فقط او را برای اولین بار و فقط برای همان یک‌بار ملاقات می‌کنند را هم دوست دارند.

### ۷) فقط مردان کاندوم می‌خرند

شما برای امنیت و محافظت از خودتان به هیچ‌کس دیگری نیاز ندارید. دختران هم می‌توانند آماده باشند و با خودشان کاندوم داشته باشند.

### ۸) زنان سرد و دارای تمایل جنسی اندک، همسرانشان را به خیانت سوق می‌دهند

به‌جای اینکه منفعلانه کلیشه‌های جنسیتی را دامن بزنیم و بار خیانت را به زنان تحمیل کنیم، بیایید احساس مسئولیت شخصی را تشویق و تقویت کنیم. علاوه بر آن، مردان ارزششان خیلی بیشتر از این است که با آنها مثل حیواناتی که توانایی کنترل بر خودشان را ندارند برخورد کنیم.

### ۹) در زمانی که پریدو هستید نمی‌توانید سکس داشته باشید

اگر سکس در هنگام پریدو برایتان لذت بخش نیست، یا شما را می‌ترساند و یا به هر دلیلی مایل به انجامش نیستید، این تصمیم شماست و برای انجام آن احساس فشار نکنید. اما بدانید که سکس در زمان پریدو از نظر فیزیکی هم ممکن و هم امن هست. درحقیقت، سکس در زمان قاعدگی می‌تواند گرفتگی عضلات و ماهیچه‌ها را بهبود بخشد، و حتی برای برخی زنان به کاهش دوران قاعدگی در آن ماه کمک می‌کند. و البته هشیار باشید که در دوران قاعدگی امکان بارداری هنوز وجود دارد، پس کاندوم را فراموش نکنید.

### ۱۰) در میانه سکس و قبل از اتمام آن، دیگر نمی‌توانید توقف آن را خواستار شوید و باید تا آخر ادامه دهید

شما می‌توانید به هر دلیلی در میانه سکس نخواهید آن را ادامه دهید و پارتنرتان باید به خواسته شما در این زمینه احترام بگذارد.

### ۱۱) آزار خیابانی نرمال و طبیعی است

یک مطالعه جدید نشان داده است که تعداد زیادی از زنان جوان، آزار خیابانی و خشونت را به‌عنوان یک بخش طبیعی و عادی زندگی خود پذیرفته‌اند. این درست نیست و دختران نباید آزار و خشونت را عادی بپندارند.

خشونت جنسی از هر نوعی که باشد مطلوب و پذیرفتنی نیست و این بی‌اعتناپی‌ها هم مضحک و هم آسیب‌زننده به همه جنسیت‌هاست.

### ۱۲) همه‌ی افراد رابطه جنسی دارند

به‌طور متوسط آمریکایی‌ها سکس را برای اولین بار در ۱۷ سالگی تجربه می‌کنند. بسیاری از افراد تا آن سن یا حتی خیلی دیرتر از آن هم سکس را شروع نمی‌کنند و ایرادی در آن وجود ندارد. در واقع بعضی افراد علاقه زیادی به سکس ندارند.

**همه‌ی این مطالب و گفتگوها درباره رابطه جنسی برای این نیست که افراد را به سکس بیشتر ترغیب کنیم، اینها برای این است که بدانیم که سکس باید امن، بدون شرمساری، و مهم‌تر از همه آزادانه، آگاهانه و بر اساس تصمیم و انتخاب شخصی باشد.**



### بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های ایران رو به افزایش است—دوچه وله

به گفته معاون وزیر کار ۳۰ درصد از بیکاران کشور، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها هستند. وزیر علوم می‌گوید میانگین فارغ‌التحصیلان بیکار بالاتر از میانگین کشور است و دانشجویان کارشناسی ارشد و دکترا هم به این عده اضافه می‌شوند. به گفته کوروش پرند، معاون وزیر کار، در حال حاضر ۴۰ میلیون نفر جمعیت غیرفعال در کشور وجود دارد. بر اساس آمار وزارت کار، ۳۰ درصد از بیکاران و ۳,۵ درصد از جمعیت غیرفعال تحصیلات دانشگاهی دارند. بنا به اذعان کارشناسان وزارت کار، آمارها نشان از افزایش میزان فارغ‌التحصیلان بیکار دارد.



به گزارش خبرگزاری مهر، معان وزیر کار تاکید کرده، بی‌توجهی و عدم‌تغییر نسبت به فرهنگ مدرک‌گرایی، معضلی بزرگ را در پی خواهد داشت. به گفته او در حال حاضر ۳۰ درصد کل بیکاران کشور، فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها هستند.

براساس آخرین گزارش مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در پاییز گذشته ۱۰/۵ درصد است که نسبت به تابستان افزایش ۱ درصدی را نشان می‌دهد. براساس این گزارش، شمار بیکاران در پاییز امسال دو میلیون و ۵۲۰ هزار نفر بوده است. بیش از دو میلیون نفر از این افراد در مناطق شهری و بقیه در مناطق روستایی ساکن هستند.

همزمان با هشدار معاون وزیر کار در خصوص بیکار بودن فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها، محمد فرهادی وزیر علوم گفت: «میانگین فارغ‌التحصیلان بیکار، بالاتر از میانگین کشور است از این رو است که نخبگان، بهترین راه حل را خروج از کشور می‌دانند.»

او همچنین هشدار داد در سال‌های آتی جمع زیادی از دانشجویان دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری هم به جمع بیکاران کشور افزوده می‌شوند.

#### آمار دقیق بیکاران کشور چقدر است؟

برپایه گزارش خبرگزاری مهر از آخرین گزارش مرکز آمار ایران، **تعداد بیکاران** مطلق کشور ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر تخمین زده شده است. مسئولان دولتی آمار بیکاران مطلق را تا ۲ برابر این رقم عنوان می‌کنند.

علی ربیعی وزیر کار هم چندی پیش نسبت به جهش شمار بیکاران در ایران هشدار داده و تاکید کرده بود که اگر رشد سالانه اقتصاد به ۷ درصد نرسد "از مهار بیکاری عاجز خواهیم بود".

کاظم جلالی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس چندی پیش در گفت‌وگو با خبرگزاری "مهر" هشدار داده بود که شمار بیکاران در ۷ سال آینده به ۵ میلیون نفر خواهد رسید. مسئولان دولتی معتقدند اگر رشد اقتصادی ایران شتاب نگیرد، **شمار بیکاران در ۷ سال آینده به ۱۱ میلیون نفر خواهد رسید.**

### مصاحبه دوچه وله با کبری خادمی دختر افغان که در اعتراض به فرهنگ مردسالاری و تعرض جنسی با مایوی آهنی به خیابان رفت

کبری خادمی هنرمند جوان افغان در حالی که پوششی آهنین برجستگی‌های اندام او را پوشانده بود در خیابان‌های کابل قدم زد. او دست‌درازی مردان به اندام خود را در خیابان‌های ایران، پاکستان و افغانستان تجربه کرده است.

کبری خادمی هنرمند جوان افغان پنجشنبه ۷ بهمن ۱۳۹۳ (۲۶ فوریه ۲۰۱۵) پرفورمنسی به نام "زره" در شهر کابل افغانستان اجرا کرد. این هنرمند جوان در حالی که زرهی آهنین پستان و باسن او را پوشانده بود، در کابل قدم زد.



کبری خادمی به دوچه وله فارسی می‌گوید وقتی کودک بوده اولین بار در شهر مشهد ایران موقعی که از خانه برای رفتن به دکانی بیرون رفته، مردی در راه باسن او را لمس کرده است. کبری می‌گوید تا آن موقع با چنین موقعیتی روبه‌رو نشده. او می‌گوید احساس گناه می‌کرده است و به همین دلیل در عالم خردسالی در گوشه‌ای گریه کرده تا اعضای خانواده ناراحتی او را نبینند.

او می‌گوید پس از این اتفاق تا مدت‌ها از خود می‌پرسیدم: "چرا؟ چرا؟ چرا؟" و همان موقع آرزو کرده: "ای کاش شورت‌ام آهنین بود."

کبری خادمی می‌گوید بزرگتر که شده به همراه خانواده‌اش ابتدا به پاکستان و بعد به افغانستان مهاجرت کرده است. کبری: «هر چه قدر بزرگتر شدم بیشتر با این مشکل روبه‌رو شدم.» این هنرمند افغان می‌گوید دقیقاً در همین مکانی که حالا پرفورمنس "زره" را اجرا کرده (محله کوتاه سنگی کابل)، اولین دست‌درازی یک مرد در خیابان به خود را تجربه کرده است.

کبری خادمی: «وقتی آن مرد در خیابان به من دست‌درازی کرد، جیغ زدم و همه مردم حاضر در خیابان برگشتند و به من نگاه کردند. برخی مردم سمت من تف انداختند. برخی مردم به من فحش دادند و گفتند خاک بر سرت که جیغ زدی. هیچکس نگفت خاک بر سر آن طرف که به من دست‌درازی کرد. وقتی که مردم مرا سرزنش می‌کردند همان فردی که به من دست‌درازی کرده بود لای جمعیت ایستاده بود و به من می‌خندید.»

کبری می‌گوید روز اجرای پرفورمنس با تاکسی به محله کوتاه‌سنگی کابل رفته و به محض پیاده شدن از تاکسی و قدم زدن با بالاپوش آهنین ابتدا مردم حاضر به سمت او آمده‌اند و پس از مدتی همه موبایل‌های خود را برای عکس برداشتن از او بیرون آورده‌اند. او می‌گوید که روز اجرای پرفورمنس خیلی‌ها به او فحش داده‌اند و برخی هم به سمت او سنگ پرتاب کرده‌اند.

او می‌گوید ته خیابان کوتاه‌سنگی همان تاکسی که او را به آن محل آورده بود منتظر او بود و به محض این‌که او پس از اجرای پرفورمنس سوار تاکسی شده، برخی به طرف تاکسی سنگ پرتاب کرده‌اند.



تلویزیون رهائی زن از "کانال یک" روی ماهواره "نیت برد" هر هفته روزهای جمعه ۱۷:۳۰ به

وقت تهران و بازنخس، شنبه ۱۷:۳۰ به وقت تهران می توانید بیننده تلویزیون رهائی زن باشید.

فرکانس ماهواره:

Chanel One- Hatberd

Frq 11179

Syb 27500

Pol H

FIC 3/4

میزبانی از نوامبر سال ۲۰۰۴ به تهیه و تولید این برنامه پرداخته و مسایل و محصولات زنان در ایران و

خارج از ایران را با میهمانان برنامه بحث میگذارد.

## برای همکاری با سازمان رهائی زن می توانید با نمایندگان آن در کشورهای مختلف تاس بگیرید

سن دیگو جنوب کالیفرنیا: فیروزه فرهی

تلفن تماس: 858-531-1344

ایمیل: [firouzeh.farrahi@yahoo.com](mailto:firouzeh.farrahi@yahoo.com)

Location: 5240 fiore TER #213

San Diego"Ca 92122

جلسات کانون رهائی زن هر دوماه یکبار برگزار میشود و از طریق فلاپر و ایمیل به اطلاع همگان خواهد رسید.

انگلستان: دیانا نامی

تلفن تماس: 00447862733511

ایمیل:

دیگر نقاط آمریکا: مینو همتی

ایمیل: [MinoHemati@GMail.com](mailto:MinoHemati@GMail.com)

نروژ: شادی و روپاک مطیعی

تلفن تماس: 004790474027

ایمیل: [motiei\\_rojan@yahoo.com](mailto:motiei_rojan@yahoo.com)

سوئد-استکهلم: پری زارع

تلفن تماس: 0046762308064

رعنا کریم زاده

تلفن تماس: 0046739286842

آدرس: ABF, Halndenterminalen 3

ساعات ملاقات، شنبه ها یک تا پنج بعد از ظهر

دیگر نقاط سوئد: سالار کرداری

تلفن تماس: 0046700194503

گوتنبرگ: آفاق وکیلی

تلفن تماس: 0046762518188

ایمیل: [rahai\\_zan@yahoo.com](mailto:rahai_zan@yahoo.com)

آلمان: شراره رضائی

تلفن تماس: 004915210189801

ایمیل: [Shararehzeaei.p@googlemail.com](mailto:Shararehzeaei.p@googlemail.com)